

محمد جواد نمینی، دارنده رتبه نخست آسیا در حوزه توسعه پایدار انرژی با وجود بی‌مهری مسئولان، دست‌زد به سینه سرمایه‌گذاران خارجی زد

همه جوره پای وطن



۱

حمیده صفائی سالن بزرگ نمایشگاه بین‌المللی نوآوری و اختراعات آسیای میانه (INNOWEEK2025) از بکستان، پراز نورهای سفید، غرفه‌های مدرن و صدای آرام دستگاه‌هایی است که هر کدام گوشه‌ای از آینده فناوری آسیا را نشان می‌دهد. در میان این هیاهو، جوانی اهل مشهد، با چهره‌ای آرام اما درونی آشفته، کنار طرحش ایستاده است. نگاهش کنج‌ها و میان‌غرفه‌ها و جمعیت حاضر می‌چرخد، اما ذهنش جای دیگری است: در کوچه‌های محله فلسطین و خانه‌ای که سال‌ها پیش، مادرش در آن دعا می‌خواند و پدرش دیگر در کنارشان نبود. همان جایی که کودکی‌اش را گذراند. اما رُیاها پیش را پرورش داد: درست مانند طرحی که امروز نام او را به عنوان یکی از نوآوران برتر آسیا مطرح کرده است. این گزارش، روایت زندگی محمد جواد نمینی است: جوان بیست و سه ساله‌ای که ایده‌ای برای تأمین انرژی طراحی کرده که می‌تواند مصرف گاز را تا هفتاد درصد کاهش دهد. این مسیر که باشکست، تنبیه و ناامیدی آغاز شد. مهرماه امسال به رتبه نخست آسیا و کسب عنوان «طرح طلایی توسعه پایدار انرژی در نمایشگاه بین‌المللی از بکستان» منجر شد.



پسری آرام، اما پرهیاهو

پدرش به خاطر سرطان تازه از دنیا رفته بود. مادر جوان مانده بود با سه فرزند و مسئولیت‌هایی که هر روز سنگین‌تر می‌شد. محمد جواد می‌گوید: پیش دبستانی رفتم. کلاس اول هم به خاطر بیماری پدرم به درستی به مدرسه نمی‌رفتم. شنیدن یک جمله در همان روزها تکانش داد، جمله‌ای از زبان مدیر مدرسه: «این بچه به درد این مدرسه نمی‌خورد. باید اخراجش کنیم.» مادر، با چشمانی خیس، حرفی زد که زندگی محمد جواد را تغییر داد: «از او املا بگیرد. اگر بیست نشد، اخراجش کنید.» و محمد جواد در این امتحان، نمره کامل را گرفت. این اتفاق شاید همان معجزه‌ای است که محمد جواد از آن سخن می‌گوید: «زندگی‌ام را مادیون امام رضا (ع) و دعای خیر مادرم هستم.» آن روز کسی فکر نمی‌کرد روزی همین کودک آرام، طراح سیستمی شود که رسانه‌های روسیه و آسیای میانه از آن بگویند.

از فوتبال تا کنکور

را با مادرش در میان گذاشت و گفت «کار مادر حوزه تولید سیستم‌های گرمایشی است؛ دوست دارم به دانشکده‌های فنی و حرفه‌ای بروم و تحصیل کنم در همین زمینه‌ها باشد.» مادر که آینده و علاقه فرزندش برایش مهم‌تر از هر چیزی بود، مخالفت نکرد. محمد جواد کنکور داد، اما نه برای پزشکی؛ او به تأسیسات مکانیکی علاقه داشت؛ رشته‌ای که ظاهر ساده است، اما دنیای عظیمی در دل فناوری انرژی دارد. هرچند محمد جواد دیپلم تجربی با معدل ۱۹ داشت، باید برای ورود به دانشکده شهید منتظری مشهد، دیپلم یکی از رشته‌های فنی را می‌گرفت. او با مشقتی که خودش می‌گوید «از جنس مبارزه» بود، توانست دیپلم حرارت مرکزی و تهویه مطبوع را بگیرد. محمد جواد به دانشگاه رفت تا راه خودش را بسازد. او فقط یک دانشجو نبود. دوترم درس «استاتیک» را تدریس کرد و در طول تحصیل با همکاری استادانش کتابی نوشت.

در دوران نونهالی و نوجوانی علاقه اصلی‌اش فوتبال بود. از آن‌هایی بود که تا وقت خالی پیدامی‌کرد، پایه‌توپ می‌شد. آن قدر دنبالش رفت تا توانست به مسابقات انتخابی تیم ملی نونهالان برسد. هرچند مادر ترجیح می‌داد محمد جواد تمرکز بیشتری روی درس باشد، او دوست داشت مسیر ورزش را تجربه کند. در نهایت بعد از آسیب دیدن شدید زانویش با فوتبال خدا حافظی کرد. محمد جواد می‌گوید: اگر آن مصدومیت نبود، شاید امروز جایم در زمین چمن بود، نه وسط یک نمایشگاه علمی. سال کنکور رسید. محمد جواد شاگرد یکی از مدارس معروف غیرانتفاعی بود. روزها تا یازده ساعت درس می‌خواند. مادرش دوست داشت او را در لباس پزشکی ببیند، غافل از اینکه او علاقه‌ای به این رشته ندارد و می‌خواهد در شاخه‌های فنی فعالیت کند. سال آخر که برای کنکور آماده می‌شد، ماجرا

جرعه‌ای که از کارهای فنی بیرون آمد

سرمایه‌ای که از دوران کودکی برای فرزندان خانواده نمینی به جا مانده، نمایندگی فروش محصولات سرمایشی و گرمایشی است که توسط برادر محمد جواد حفظ شده است. این حرفه سبب شد او به کارخانه‌های تولید سیستم‌های گرمایشی سر بزند و با بررسی این سیستم‌ها متوجه پیشرفت علم در جهان شود. در کارخانه‌های تولیدات محصولات ایتالیایی، چیزهایی دید که آینده‌اش را تغییر داد.

او تعریف می‌کند: در کارخانه‌هایشان پکیج‌های هیدرونی، سیستم‌های روز اروپا با راندان‌های بالارادیم؛ مسیری که جهان به سمت آن می‌رود و ما هنوز با آن فاصله داریم. او حالامی‌دانست در کشورهای پیشرفته به جای گاز سوز بودن وسایل گرمایشی، به سمت هیدروژن، انرژی‌های ترکیبی و هوشمندسازی مدل مصرف رفته‌اند.

این جوان محله فلسطین می‌گوید: وقتی دیدم سیستم‌های جدید بدون وابستگی به گاز کار می‌کنند، فقط یک سؤال در ذهنم می‌چرخید: آمریکا و کانادایی که دویست روز آفتابی دارند و زاویه تابش پایین‌تری از کشور ما دارند، برای انرژی‌های جایگزین با راندان‌های بالاسرمایه‌گذاری می‌کنند، اما چرا ما که میانگین سیصد روز آفتابی داریم، هنوز از انرژی خورشیدی استفاده نمی‌کنیم! سیستمی ترکیبی از انرژی خورشیدی و فناوری‌های نوین حرارتی می‌تواند ۷۰ تا ۹۰ درصد نیاز گرمایشی و برقی



خندیدند.

اما او دست نکشید. یک سال تمام مطالعه کرد. طرح را چند بار از نو طراحی کرد. از شرکت‌های متفاوتی که می‌شناخت، مشورت گرفت. قطعاتی ساخت. سنسورها را برنامه‌ریزی کرد و در نهایت به طرح جامع و کاملی رسید که به هر مکان علمی و تولیدی در ایران ارائه کرد، آن را نپذیرفتند.

یک خانه را بدون اتکا به گاز شهری تأمین کند. این فکر روز به روز در ذهنش بیشتر رشد کرد که باید دستگاهی بسازد تا بتواند گرمایش خانه‌ها را تأمین کند، بدون اینکه چشم به لوله گاز بدوزد. ایده‌اش را به استادانش نشان داد. بعضی‌ها گفتند غیرممکن است. برخی گفتند در ایران جواب نمی‌دهد و بعضی‌ها هم